

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

doi 10.22034/nf.2024.199213

اطلاعات آوایی در فرهنگ‌های عمومی یک زبان

ساغر شریفی* (عضو هیئت علمی گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران)

چکیده: فرهنگ‌ها از گذشته تا کنون برای بازنمایی انواع اطلاعات آوایی شیوه‌های گوناگونی را به کار گرفته‌اند که هر یک از این شیوه‌ها دارای مزایا و معایبی هستند. امروزه در فرهنگ‌های عمومی علاوه بر صورت آوایی، اطلاعات آوایی بیشتری ارائه می‌شود که از آن جمله‌اند گونه‌های دیگر تلفظ، تکیه، ساخت هجایی و فرایندهای آوایی. این مقاله به بررسی انواع اطلاعات آوایی در فرهنگ‌های عمومی انگلیسی و فارسی اختصاص دارد و در آن، دو فرهنگ جدیدتر فارسی، یعنی فرهنگ فارسی و فرهنگ روز سخن، از منظر بازنمایی اطلاعات آوایی بررسی شده‌اند. کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، فرهنگ عمومی یک‌زبانه، اطلاعات آوایی

۱- مقدمه

در فرهنگ‌های چاپی، راه ورود به فرهنگ سرمدخل است. سرمدخل در فرهنگ به ساده‌ترین و رایج‌ترین شکل نوشتاری واژه نمود می‌یابد که بن‌واژه^۱ نامیده می‌شود. اما در بیشتر موارد و به دلایلی، صورت نوشتاری اطلاعات زیادی درباره تلفظ واژه ارائه نمی‌دهد، لذا نیاز به گنجاندن این نوع از اطلاعات در فرهنگ ضرورت پیدا می‌کند. با وجود آنکه برخی فرهنگ‌نویسان معتقدند تلفظ در فرهنگ چندان در کانون توجه کاربران قرار ندارد (Landau, p. 126)، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نوع از اطلاعات، پس از معنی، دومین عامل مراجعه افراد به فرهنگ به‌شمار می‌رود (شریفی و عاصی، ص ۱۰).

* saghar_sharifi@yahoo.com

1. lemma

ابتدایی‌ترین اطلاعات مربوط به تلفظ، صورت آوایی^۱ واژه است. منظور از صورت آوایی، تلفظی از واژه است که به‌طور مجزا و در گفتار سنجیده^۲ بیان می‌شود (Booij, p. 252). بخش تلفظ در فرهنگ حاوی اطلاعات دیگری نیز هست که باید با توجه به نوع فرهنگ و نیاز کاربران طراحی شود.

در زبان انگلیسی، نخستین فرهنگ‌نویسی که ضرورت گنجاندن تلفظ در فرهنگ را تشخیص داد ناتانیل پیلی^۳ در قرن هجدهم بود. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شد که دریافتند بین حروف الفبا و واج‌های زبان تناظر یک‌به‌یک وجود ندارد. به این معنا که گاه یک حرف نمایندهٔ بیش از یک واج است، مانند a در واژه‌های are, can, late, far در انگلیسی و گاه یک واج با بیش از یک حرف نشان داده می‌شود، مانند واج /s/ در انگلیسی که با حروف c و k نشان داده می‌شود.^۴ ثبت و ارائهٔ تلفظ درست و دقیق زبان گفتار به‌صورت مکتوب بسیار دشوار است. علاوه بر آن، رسیدن به یک استاندارد دقیق در تلفظ، اگر نگوییم غیرممکن، بسیار مشکل است و فرهنگ‌نویس نمی‌تواند تمام صورت‌های ممکن را در فرهنگ ضبط کند (هاشمی میناباد، ص ۶۰). در فرهنگ‌های عمومی معتبر، تلفظ واژه‌ها را تعریف‌نگاران تعیین نمی‌کنند، بلکه ثبت و ضبط تلفظ برعهدهٔ متخصصان این حوزه است، که این امر نیز نشان‌دهندهٔ اهمیت ارائهٔ تلفظ درست در فرهنگ است. این مقاله مروری است بر روش‌های ثبت تلفظ و نیز انواع اطلاعات آوایی ارائه‌شده در فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه انگلیسی و فارسی. همچنین، در اینجا سعی شده است تا به نکات فوق با نگاهی دقیق‌تر به دو فرهنگ جدیدتر فارسی، یعنی فرهنگ فارسی (صدری افشار و همکاران) و فرهنگ روز سخن (انوری)، توجه بیشتری شود.

۲- تلفظ در فرهنگ‌های انگلیسی

۲-۱- شیوه‌های ارائهٔ تلفظ در فرهنگ‌های انگلیسی

از گذشته تاکنون شیوه‌های گوناگونی برای نشان دادن تلفظ در فرهنگ‌های انگلیسی به کار رفته است. از جمله روش‌هایی که در فرهنگ‌های قدیمی‌تر رایج بوده می‌توان به استفاده از نشانه‌های زیروزبری^۵ بر روی سرمدخل و روش بازنویسی^۱ اشاره کرد که در آن‌ها تلفظ واژه با

1. phonetic form
2. careful speech
3. Nathaniel Bailey

۴. در زبان فارسی نیز «و» در کلمات وسط، توپ و خود به‌ترتیب نمایندهٔ واج‌های /v/, /u/ و /o/ است. همچنین واج /s/ را در فارسی با حروف «س»، «ث» و «ص» نشان می‌دهند.

5. diacritics

استفاده از حروف الفبا نشان داده می‌شد. ویژگی‌های مشترک این دو روش یکی ناپیکدستی در ارائه تلفظ و دیگری ایجاد سردرگمی در کاربر فرهنگ است. البته به‌کارگیری این روش‌ها ممکن است در مواردی، به دلیل سادگی و یا به‌کارگیری نشانه‌های آشنا برای کاربر عام آسان باشد (FRASER).

استفاده از الفبای آوانگاری روشی جدیدتر است که در مقایسه با روش‌های پیشین از یکدستی بیشتری برخوردار است و می‌توان آن را برای نمایش واج‌های همهٔ زبان‌ها، حتی زبان‌هایی که تاکنون کمتر شناخته و بررسی شده‌اند، به کار برد. علاوه‌براین، فرهنگ‌های گوناگون این شیوه را با تغییراتی جزئی به کار می‌برند. این روش بیشتر در فرهنگ‌های بریتانیایی و نیز فرهنگ‌های دوزبانه کاربرد دارد و امروزه، به‌ویژه در فرهنگ‌های زبان‌آموز انگلیسی برای بزرگسالان، با استقبال زیادی روبه‌رو شده‌است (همان، ص ۱۸۳).

در صورت استفاده از این روش، برخلاف روش‌های قدیمی‌تر، کاربر برای درک نشانه‌های به‌کاررفته نیاز به آموزش و در مواردی مراجعه به جدول نشانه‌های آوایی دارد. همچنین استفاده از الفبای آوانگاری به دو صورت آوانویسی^۱ و واج‌نویسی^۲ انجام می‌شود. آوانویسی، به‌ویژه نوع تفصیلی آن، ممکن است برای کاربر عادی بسیار پیچیده باشد. به همین سبب در فرهنگ‌های عمومی از واج‌نویسی برای نشان دادن تلفظ بهره می‌گیرند. افزون بر آن، بسیاری معتقدند که وظیفهٔ فرهنگ عمومی ارائهٔ تصویری کلی از پیچیدگی‌های زبانی است، به طوری که برای کاربر متوسط و عادی قابل درک باشد. کاربر می‌تواند تفاوت‌های جزئی در تولید را با تمرین و گوش دادن به گفتار اهل زبان بیاموزد (LANDAU, p. 120) و به همین سبب نیازی نیست در فرهنگ عمومی اطلاعاتی با این جزئیات ارائه شود.

از دیگر روش‌های نشان دادن تلفظ که در فرهنگ‌های الکترونیکی کاربرد دارد تلفظ صوتی^۳ است. در این روش، کاربر با فشار دادن یک دکمه یا کلیک کردن بر روی نشانه‌ای خاص می‌تواند تلفظ واژه موردنظر را بشنود. این روش، ضمن آنکه اشکالات روش‌های پیشین را ندارد، می‌تواند به‌ویژه در یادگیری زبان خارجی بسیار کارآمد باشد. در اغلب فرهنگ‌های الکترونیکی از جمله فرهنگ [برخط]^۴ مک‌میلان^۵ و فرهنگ [برخط]^۶ مریام-وبستر^۶ تلفظ واژه‌ها علاوه بر واج‌نویسی با الفبای بین‌المللی آوانگاری به صورت صوتی نیز ارائه شده‌است.

1. respelling system/ rewriting system
2. phonetic transcription
3. phonemic transcription
4. acoustic / audio pronunciation
5. MacMillan English Dictionary
6. Merriam-Webster Dictionary

۲-۲. انواع اطلاعات آوایی در فرهنگ‌های انگلیسی

در روش‌های قدیمی‌تر ضبط تلفظ، مانند بازنویسی، عمدتاً صورت آوایی و در برخی روش‌ها، جایگاه تکیه نیز نشان داده می‌شد، درحالی‌که در فرهنگ‌هایی که از الفبای آوانگاری استفاده می‌کنند، انواع بیشتری از اطلاعات آوایی ارائه می‌شود که به شرح زیر است.

۲-۲-۱. صورت آوایی

در فرهنگ‌های امروزی، ترکیب زنجیری واج‌ها یا همان صورت آوایی همیشه به‌طور جداگانه، بلافاصله پس از سرمدخل و به‌صورتی کاملاً متمایز، معمولاً بین دو خط مورب، گاه در داخل کمانک و گاه بدون کمانک و خط مورب و تنها با اندکی فاصله از سرمدخل، ذکر می‌شود. معمولاً در مقدمه فرهنگ توضیحاتی درباره روش ارائه تلفظ، معیارهای موردنظر و گونه زبانی انتخاب‌شده به‌کاربر ارائه می‌گردد و اغلب در بخش مطالب آغازین^۱ یک یا چند جدول آوایی شامل نشانه‌هایی که نماینده آواها در صورت آوایی هستند، کلیدواژه‌های راهنما و نیز نشانه‌های زیروبری به‌کاررفته وجود دارد. در برخی فرهنگ‌ها، این نشانه‌ها علاوه بر بخش مطالب آغازین، در پایین هر صفحه یا به‌صورت یک‌صفحه در میان نیز درج می‌شود، مانند فرهنگ دنیای نو و بستر^۲. اساس کار تعیین تلفظ در فرهنگ‌های عمومی معمولاً گویش غالب در یک گونه ملی است. تلفظ به‌کاررفته در فرهنگ‌های آمریکایی General American یا Network English است که به تلفظی اشاره دارد که در آمریکای شمالی رایج است و فاقد هرگونه ویژگی مربوط به لهجه منطقه‌ای خاص است. در فرهنگ‌های بریتانیایی نیز Received Pronunciation مبنای قرار می‌گیرد که گویشی است که در گذشته مربوط به طبقات متوسط روبه‌بالای جامعه و مدرسه‌های خصوصی بوده و مورد پذیرش رسانه‌های ملی، به‌ویژه شبکه بی‌بی‌سی، است (ROCA & JOHNSON, p. 119).

۲-۲-۱-۱. گونه‌های دیگر تلفظ

در برخی موارد، واژه‌های یک زبان در گستره‌های جغرافیایی، سنی یا جنسیتی و یا در سبک و سیاق‌های گوناگون تلفظ متفاوتی پیدا می‌کنند. در فرهنگ‌ها برای نشان دادن چنین تفاوت‌هایی روش‌هایی به‌کار می‌رود که از رایج‌ترین آن‌ها به‌کارگیری برچسب است. اگر تلفظ فاقد برچسب کاربردی باشد، گونه رایج‌تر یا معیار تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که برخی بر این باورند که فرهنگ‌های یک‌زبانه به دلیل گستردگی طیف مخاطبان خود باید تنها به ذکر تلفظ معمول و متداول

1. front matter

2. Webster's New World Dictionary of the English Language 1984

واژه‌ها بسنده کنند و درج گونه‌های دیگر تلفظ را به فرهنگ‌های تلفظی واگذار نمایند (de CALUWE & van SANTEN, p. 72).

در مواردی که واژه دارای بیش از یک تلفظ معمول و پذیرفته شده است فرهنگ‌ها به شیوه‌های گوناگون عمل می‌کنند. معمولاً اولین تلفظ، که لزوماً درست‌ترین یا بهترین نیست، بلکه رایج‌ترین تلفظ است، با ویرگول یا دو خط مورب از گونه‌های دیگر، که از نظر بسامد با فاصله کمی نسبت به آن قرار دارند، جدا می‌شود.

گونه‌های تلفظی ممکن است به صورت کامل درج شوند یا تنها بخش متفاوت تلفظ در فرهنگ ذکر شود، به صورت‌های زیر:

schedule /'ske,dʒul/ /'skedʒəl/

یا:

schedule /'ske,dʒul/ /-dʒəl/

در فرهنگ زبان انگلیسی کالینز کوبیلد،^۱ تغییرات در تلفظ، مثلاً امکان حذف یک واج، با قرار دادن عدد در بالای نشانه واج مورد نظر نشان داده شده است، مانند مثال‌های زیر که در آن‌ها عدد صفر نشان‌دهنده امکان حذف واج مورد نظر در تلفظ است (Brazil, p. 162):

documentary /tə⁰ri/

disrespectful /t⁰/

همین ویژگی، یعنی امکان حذف یک واج، را فرهنگ تلفظی اوری من^۲ با ایتالیک کردن نشانه آن و فرهنگ زبان‌آموز پیشرفته انگلیسی مک‌میلان^۳ با استفاده از کمانک نمایش می‌دهند:

defamatory di'fæmətəri

defamatory di'fæmət(ə)ri

فرهنگ تلفظی اوری من کمانک را برای نمایش بودن یا نبودن یک ویژگی، مانند کشش، به کار برده است، مانند

trio 'tri(:)əu

۲-۱-۲. تلفظ واژه‌های قرضی

واژه‌های قرضی بسته به کاربرد آن‌ها یا نظر فرهنگ‌نویس ممکن است با تلفظ بومی یا تلفظ واژه در زبان مقصد در فرهنگ ضبط شوند. مثلاً تلفظ واژه فرانسوی *au paire* در فرهنگ برخط مک‌میلان به صورت /'pɛr/ آمده که تلفظ انگلیسی شده این واژه است. اگر واژه با تلفظ بومی ضبط شود،

1. Collins COBUILD English Language Dictionary, 1996
2. Everyman's English Pronouncing Dictionary, 1972
3. Macmillan English Dictionary for Advanced Learners, 2007

ممکن است نیاز به استفاده از نشانه‌های غیر معمول برای نشان دادن آواها یا برخی ویژگی‌های خاص آن واژه در زبان مبدأ وجود داشته باشد. همچنین ممکن است ترکیب زنجیری یا زبرزنجیری تلفظ با واژه‌های زبان مقصد مغایر باشد. بدیهی است که چنین مواردی را می‌توان در مقدمه یا ذیل مدخل مورد نظر توضیح داد.

۲-۱-۳. تلفظ مدخل‌های فرعی

از آنجاکه معمولاً اجزای مدخل‌های فرعی^۱ به‌طور جداگانه در فرهنگ مدخل می‌شوند، ضرورتی برای ثبت تلفظ برای آن‌ها وجود ندارد. اما در مورد واژه‌های مرکب یا مشتقی که در آن‌ها تغییر در صورت آوایی و یا تغییر در جایگاه تکیه رخ می‌دهد معمولاً این امر به گونه‌ای نشان داده می‌شود. برای مثال، در فرهنگ دنیای نو وبستر (۱۹۸۴)، در واژه inflammability، که ذیل inflammable آمده است، تغییر جای تکیه بر روی سرمدخل نشان داده شده است:

inflammability inflamable

۲-۲-۲. تکیه

در بخش تلفظ معمولاً علاوه بر ترکیب زنجیری، برخی عناصر زبرزنجیری، مانند تکیه، نیز نشان داده می‌شود. مشخص کردن جایگاه تکیه اصلی بر روی هجاها، به‌ویژه در زبان‌هایی مانند انگلیسی که جای تکیه در آن‌ها به راحتی قابل پیش‌بینی نیست، از آن جمله است. در زبان‌هایی که دارای طرح تکیه ثابت و منظم هستند، مانند زبان فرانسوی، کافی است جای تکیه در موارد استثنا یا در واژه‌های قرصی مشخص شود.

در زبان انگلیسی شیوه‌های گوناگون نشان دادن انواع تکیه عبارت‌اند از استفاده از اعداد بر روی هجاها، مربوط،^۲ به کار بردن نشانه ['] برای تکیه اصلی یا اولیه^۳ و [□] برای تکیه دومین یا ثانویه^۴، استفاده از نشانه تکیه در بالا یا پس از واژه تکیه‌بر و متمایز کردن هجای تکیه‌بر با حروف بزرگ و سیاه، به صورت‌های زیر:

1 3 2 ●

pedigree 'pedi,gree pÉdigree PEDegree pedigree

(Clark & Yallop, p. 353-354)

1. subentries

۲. این روش بیشتر در امریکای شمالی رایج است.

3. primary stress

4. secondary stress

این شیوه بیشتر در فرهنگ‌های بریتانیایی که از الفبای بین‌المللی آوانگاری استفاده می‌کنند کاربرد دارد.

امروزه رایج‌ترین روش نشان دادن جایگاه تکیه استفاده از نشانه [']^۱ پیش از هجای تکیه‌بر است.

۳-۲-۲. تقطیع هجایی^۱

در زبان‌هایی که تعیین مرز هجا، به‌ویژه برای غیراهل‌زبان، به‌آسانی ممکن نیست، ارائه اطلاعاتی در این زمینه بسیار مفید است. نکته حائز اهمیت آن است که در مورد تعریف هجا میان آشناسان و فرهنگ‌نویسان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی هجا را واحدی آوایی می‌دانند (HARTMANN & JAMES, p. 134)، در حالی که برخی دیگر آن را مجموعه‌ای از نشانه‌های نوشتاری در نظام‌های نوشتاری واجی و هجایی نیز به‌شمار می‌آورند و هردو جنبه آوایی و نوشتاری آن را به فرهنگ‌نویسی مرتبط می‌دانند (Burkhanov, p. 228). این امر سبب شده است که تقسیمات هجایی در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت باشد و حتی در مواردی، با تقطیع املائی واژه^۲ هماهنگی نداشته باشد. در مثال‌های زیر، تقسیمات هجایی در آوانگاشت به ترتیب از دو فرهنگ [برخط] مریام - ویستر و فری دیکشنری^۳ نشان داده شده است:

ac.cu.mu.late /ə-kyü-m(y)ə-lāt/

ac.cu.mu.late (ə-kyoomyə-lāt)

در فرهنگ‌هایی که از روش بازنویسی برای نشان دادن تلفظ استفاده می‌شود، معمولاً هجاها را با خط تیره از هم جدا می‌کنند، مانند port-er در فرهنگ کالینز^۴.

۴-۲-۲. فرایندهای آوایی

تلفظ واژه‌ها در فرهنگ‌های عمومی اغلب به‌صورت قوی^۵، خارج از بافت و در محدوده صورت پایه^۶ ارائه می‌شود. گاه واژه در بافت‌های گوناگون و در ترکیب با دیگر واژه‌ها تلفظ متفاوتی پیدا می‌کند. اگر فرهنگ‌نویس بخواهد این تفاوت‌ها را نشان دهد، باید محدوده‌ای را که این تغییرات در آن رخ می‌دهد مشخص کند (Brazil, p. 166). یک راه برای این کار، قائل شدن به یک صورت

1. syllabification

۲. این نوع اطلاع، که بیشتر در فرهنگ‌های آمریکایی ارائه می‌شود، در نوشتار کاربرد دارد و هدف از ذکر آن در فرهنگ این است که کاربر بداند چه موقع می‌تواند واژه را در انتهای سطر تقطیع کند و به سطر بعدی برود. تقطیع املائی به‌وسیله نقطه یا فاصله در سرمدخل نشان داده می‌شود.

3. The Free Dictionary

4. Collins Dictionary

5. strong form

6. citation form

زیرساختی^۱ و ارائه صورت‌های دیگر براساس قاعده‌ها و محدودیت‌های مربوط است. مثلاً در فرهنگ تلفظی اوری‌من، تلفظ واژه can به صورت /kæn/ آمده و ذکر شده است که این تلفظ واژه در صورت قوی است و /kən/، /kn/ و /kŋ/ صورت‌های ضعیف^۲ آن هستند. در فرهنگ زبان‌آموز پیشرفته انگلیسی مک‌میلان^۳ نیز تلفظ واژه have به صورت‌های زیر نمایش داده شده است:

have /weak əv, həv, strong həv/

به طور کلی می‌توان گفت که در فرهنگ‌های عمومی انگلیسی رسم بر آن است که فرایند تقلیل^۴ و در مواردی حذف نشان داده شوند. دیگر فرایندها مانند همگونی و درج معمولاً نشان داده نمی‌شوند.

۳- تلفظ در فرهنگ‌های فارسی

۳-۱- شیوه‌های ارائه تلفظ در فرهنگ‌های فارسی

در فرهنگ‌های قدیمی‌تر فارسی نیز روش‌های گوناگونی برای نشان دادن تلفظ به کار گرفته شده است که از آن جمله می‌توان استفاده از واژه هم‌وزن، حرکت‌گذاری یا استفاده از اعراب (زیر و روی حروف سرمدخل و یا به صورت توضیح در جلو مدخل)، استفاده از واژه هم‌وزن به همراه اعراب و نیز استفاده از نشانه‌های قراردادی را نام برد.

در فرهنگ‌های جدیدتر، استفاده از الفبای آوانگاری رواج پیدا کرده است. نخستین فرهنگ فارسی که از این شیوه برای نمایش تلفظ بهره گرفته فرهنگ نفیسی است. پس از آن، در فرهنگ فارسی (معین) و بعدها در فرهنگ‌های جدیدتر مانند فرهنگ فارسی امروز (صدری‌افشار و همکاران ۱۳۶۹) و فرهنگ بزرگ سخن (انوری) نیز الفبای آوانگار با اندک تفاوت‌هایی به کار رفته است. از آنجا که هیچ‌یک از فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه فارسی، به جز ویراست جدید فرهنگ فارسی عمید (/www.ashja.com/Fa/AmidOnlineDictionary/)، به صورت برخط در دسترس نیست، استفاده از تلفظ صوتی در فرهنگ‌های فارسی معمول نیست.

1. underlying form
2. weak form
3. MacMillan English Dictionary for Advanced Learners, 2007
4. reduction

۲-۳. انواع اطلاعات آوایی در فرهنگ‌های فارسی

همان‌گونه که در بخش ۱-۳ اشاره شد، در فرهنگ‌های فارسی، از گذشته تاکنون، برای نشان دادن تلفظ از روش‌های گوناگونی بهره گرفته شده‌است. در فرهنگ‌های قدیمی‌تر فارسی فقط صورت آوایی واژه‌ها نشان داده می‌شده، و تنها در فرهنگ‌های جدیدتر است که الفبای آوانگاری برای ضبط تلفظ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این فرهنگ‌ها انواع دیگری از اطلاعات از قبیل تکیه و فرایندهای آوایی نیز ارائه می‌شود. در زیر به انواع اطلاعات در دو فرهنگ یک‌زبانۀ جدید، یعنی فرهنگ فارسی و فرهنگ روز سخن، می‌پردازیم.

۱-۲-۳. صورت آوایی

در بازنمایی تلفظ در فرهنگ فارسی، «تلفظ رایج در زبان فارسی» اصل قرار گرفته و «در انتخاب حروف آوایی از شیوۀ رایج آوانگاری» استفاده شده‌است (پیش‌گفتار، ص هشت). صورت آوایی بعد از سرمدخل با حروف لاتینی و بین دو خط کج نشان داده شده‌است (همان، ص یازده).

نشانه‌های آوایی			
معادل فارسی	نشانه آوایی	معادل فارسی	نشانه آوایی
آ (بلند)، ئ	ā	ج	j
آ (کوتاه)	â	ک	k
ا	a	ل	l
اُ	an	م	m
ب	b	ن	n
چ	ĉ	و	o
د	d	و (بلند)	o:
ـ	e	و (بلند)	on
ف	f	او (بلند)	âw
گ	g	او (بلند)	ow
ح، ه	h	پ	p
س	i	غ، ق	q
سی (کوتاه)	î	ر	r
ث، س، ص	s		
ش	š		
ت، ط، ة	t		
و	u		
و (کوتاه)	û		
ذ، ز، ض، ظ	z		
ژ	ž		
ع، همزه	'		

تصویر ۱: نشانه‌های آوایی در فرهنگ فارسی (ص چهارده)

در جدول «نشانه‌های آوایی» این فرهنگ، ۲۴ نشانه برای نمایش همخوان‌ها، ۱۰ نشانه برای واکه‌های ساده، ۲ نشانه برای صداهای او (âw) و او (ow)، دو نشانه «ـ» و «ـ» به ترتیب برای

۱. در زبان فارسی امروز چنین صدایی وجود ندارد.

نمایش an و on به کار رفته‌است. قابل توجه آن است که در این فرهنگ میان آبلند (ā) و آ کوتاه (â)، ی [بلند] (î) و ی-ی کوتاه (i)، اُ بلند (o:) و اُ [کوتاه] (o) و نیز او [بلند] (u) و او کوتاه (û) تمایز وجود دارد. جدول فاقد کلیدواژه راهنماست و در آن به ذکر «معادل فارسی» نشانه‌های آوایی بسنده شده‌است. در تصویر ۱، نشانه‌های آوایی به کار رفته در فرهنگ فارسی آمده‌است.

جدول آوانگاری

واکدهای مرکب		واکدها	
دولت	do[w]lat	دست	dast
موز	mo[w]z	دل	del
ماوس	māws	خانه	xāne
دی	dey	گل	gol
سشوار	sešu'ār	موتور	motor
توالت	tu(o)'ālet	باز	bāz
موزیسین	muzisiyan	داس	dās
سیه	siyah	بیر	pir
پیانو	piyāno	ماهی	māhi
		روز	ruz
		چوب	čub

همخوان‌ها	
خرس	xers x
دود	dud d
ذرت	zorrat z
میز	miz z
ضرب	zarb z
ظرف	zarf z
رنگ	rang r
مژه	može ž
شیشه	šiše š
غاز	qāz q
قاشق	qāšoq q
فیل	fil f
کیف	kif k
گرگ	gorg g
بلال	balāl l
مادر	mādar m
پنبه	pambe m
نان	nān n
گاو	gāv v
یک	yek y
چای	čāy y

جزء	joz'	ء، آ، ا، ق، ع
اسب	'asb	
مأمور	ma'mur	
سؤال	so'āl	
رئیس	ra'is	
علم	'elm	
عود	'ud	
بمد	ba'd	
فعال	fa''āl	
مانع	māne'	
بیر	babr	ب
پدر	pedar	پ
تور	tur	ت، ط
طبل	tabl	
ثلث	sols	ث، س، ص
سبز	sabz	
صورت	surat	
چوچه	juje	ج
چوب	čub	چ
حرف	harf	ح، ه
ماء	māh	

* نشانه نوشتاری آ و آ مرکب از همخوان + واکه ā است: āb آب، ma'āxez مآخذ

تصویر ۲: نشانه‌های آوایی در فرهنگ روز سخن (ص بیست و چهار)

در فرهنگ روز سخن نیز «تلفظ متداول پایتخت کشور» مبنا قرار گرفته و ضبط تلفظ «با خط آوانگار (لاتین)» نشان داده شده‌است (پیش‌گفتار، ص یازده و دوازده). در «جدول آوانگاری»،

همخوان‌ها با ۲۳ نشانه و واژه‌های ساده و مرکب^۱ نیز با ۶ نشانه از یکدیگر تفکیک شده‌اند. ۲۳ نشانه به‌کاررفته برای همخوان‌ها در این فرهنگ مشابه فرهنگ فارسی معاصر است. تصویر ۲ نشانه‌های آوایی به‌کاررفته در فرهنگ روز سخن را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که از تصویر ۱ و ۲ برمی‌آید، در دو فرهنگ یادشده، واژه‌ها با استفاده از گونه‌ای از الفبای آوانگاری آمریکای شمالی^۲ واج‌نویسی شده‌اند (قربان‌زاده، ص ۱۹۰). این امر می‌تواند به دلیل ساده‌تر بودن این الفبای آوانگاری نسبت به الفبای بین‌المللی آوانگاری^۳ و آشنایی کاربر فارسی‌زبان با اولی باشد.

از ویژگی‌های صورت آوایی در فرهنگ روز سخن نشان‌دادن همزه (بست چاکنایی) در موضع آغازین کلمات است. مثلاً تلفظ واژه آب به‌صورت *āb* آمده‌است، حال آنکه در فرهنگ فارسی همزه تنها در موضع میانی و پایانی درج شده‌است، مانند واژه‌های آئین (*ā'in*) و شمع (*šam*). (درباره این روش در فرهنگ سخن، ← قربان‌زاده، ص ۱۹۰)

در فرهنگ فارسی، در مورد واژه‌های «مشابه» که در فهرست اصلی فرهنگ به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند، تنها برای واژه اول آوانگاشت داده شده و دومی بدون آوانگاشت ثبت شده‌است (پیش‌گفتار، ص هشت)، مانند

شیر ^۱ /šir/	شیر ^۲
شیر ^۳	
و نیز:	
تمام ^۱ /tamām/ صفت	تمام ^۲ قید
تمام ^۳ پیشواژه	
مورد اخیر در فرهنگ روز سخن به صورت زیر نشان داده شده‌است:	
شیر ^۱ šir	شیر ^۲ š.

۱-۲-۳. گونه‌های دیگر تلفظ

همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، در هر دو فرهنگ یادشده، گونه معیار مبنای کار تعیین تلفظ قرار گرفته‌است. با این حال، در مواردی که بیش از یک تلفظ معیار وجود داشته، در فرهنگ فارسی، تلفظ رایج‌تر در سمت چپ آمده و گونه تلفظی دیگر با ویرگول از اولی جدا شده‌است (ص هشت)، مثلاً

۱. برخی زبان‌شناسان، از جمله ثمره (۱۳۸۳) و مدرسی قوامی (۱۳۹۴)، به وجود واژه مرکب در فارسی قائل نیستند.
2. (North) American Phonetic Alphabet / (N)APA
3. International Phonetic Alphabet / IPA

گونه تلفظی ناشی از جانیشینی یک واج با واج دیگر در واژه مشترک به صورت زیر نشان داده شده است:

مشترک moštarak, moštarek

در مواردی که تلفظ کردن یا نکردن یک واج سبب ایجاد دو گونه تلفظی می‌شود، در این فرهنگ از کمانک استفاده شده است (همانجا):

گورخر gur(e)xar

در همین فرهنگ، «اگر بخشی از تلفظ دو واژه مرکب همانند بوده، با گذاشتن خط تیره، تنها تلفظ بخش متفاوت داده شده است» (همانجا):

دستان سرا dastānsarā, -sorā

در فرهنگ روز سخن، برای نشان دادن «دوگانگی یا چندگانگی تلفظ» که ناشی از جانیشینی یک واج با واج دیگر است از کمانک استفاده شده و تلفظ‌های کمتر رایج در داخل کمانک به صورت‌های زیر نشان داده شده‌اند (پیش‌گفتار، ص دوازده):

چشم če(a)šm عدالت 'e(a)dālat

نمودن ne(o,a)mud-an

در این فرهنگ در مواردی که گونه تلفظی دیگر در اثر تلفظ کردن یا نکردن یک واج از صورت آوایی پدید می‌آید از قلاب استفاده شده است:

موای [y] mu[y] مهربان mehr[-a]-bān

در واژه‌های مرکبی که تلفظ بخشی از واژه در آن‌ها متفاوت است، در فرهنگ روز سخن تنها برای بخش متفاوت گونه تلفظی آوانگاشت داده شده و بخش مشترک با کوتاه‌نوشت مشخص شده است:

لوبیا lubiyâ لوبیاپلو l.-polo[w]

و البته در این مورد نیز یکدستی رعایت نشده و واژه‌ای مانند لوبیاچشم‌بلبلی به طور کامل آوانگاری شده است:

لوبیاچشم‌بلبلی lubiyā-če(a)šm-bolbol-i

همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، در فرهنگ فارسی، واژه‌های کشیده نیز نشان داده شده‌اند، به طوری که میان ā و â، î و î̂، û و ŭ و نیز u و ŭ تمایز دیده می‌شود. در پیش‌گفتار فرهنگ توضیحی در این مورد داده نشده، ولی به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد این کشیدگی مختص واژه‌های فارسی و عربی دانسته شده است، به گونه‌ای که مثلاً واژه /a, / در واژه‌های پاک‌کن، آب‌پز و قابل

به ترتیب به صورت *pāk.kon*، *ābpaz* و *qābel* و واژه‌های آنسورت و سادیسیم به ترتیب به صورت *â'ort* و *sâdism* ضبط شده‌اند.

در این فرهنگ، در آوانگاشت برخی واژه‌ها، واکه کشیده همراه با واکه کوتاه حضور دارد:

چهار *čâhâr*

شیمیایی *šimîyâyi* میناتور *min(i)yâtor*

با توجه به اینکه در زبان فارسی کشیدگی واکه تمایز معنایی ایجاد نمی‌کند، ذکر این نکته ضروری است که ممکن است یک واکه در بعضی از محیط‌ها و در مجاورت آوایی خاص، کشیده‌تر تلفظ شود، اما این کشیدگی تنها در سطح آوایی رخ می‌دهد و در سطح واجی تمایزی ایجاد نمی‌شود. تنها در موارد بسیار معدود تمایز معنا میان واژه‌های بومی با واژه‌های قرضی وجود دارد:

مادام *mādām*: قید. تا زمانی که

مادام *mādām*: اسم. عنوان خطابی یا احترام‌آمیز برای زنان ...

و

بادی *bādi*: صفت. ۱. منسوب به باد

بادی *bādi*: اسم. جامه زنانه به صورت بلوز و شورت یکپارچه چسبان

بدیهی است که اشاره به نکته اخیر در فرهنگ‌های زبان‌آموز می‌تواند مفید باشد. در فرهنگ روز سخن چنین تمایزی نشان داده نشده‌است.

در فرهنگ فارسی، O: در مواردی جانشین OW شده و گونه تلفظی دیگری از واژه سرمدخل را به دست داده‌است:

روشن *rowšan, ro:šan* توصیف *towsif, to:sif*

در این مورد نیز شاید بتوان گفت که کشش در معدود واژه‌هایی مانند *hul* با تلفظ *hol* و هول با تلفظ *ho:l* ممیز معناست.

در فرهنگ روز سخن OW با O جانشین شده‌است:

روشن *ro[w]šan* توصیف *to[w]sif*

۲-۱-۲-۳. تلفظ واژه‌های قرضی

در مورد تلفظ واژه‌های بیگانه در پیش‌گفتار فرهنگ فارسی گفته شده که شکل رایج واژه در فارسی، معیار تعیین تلفظ قرار گرفته‌است، با وجود این، در مورد برخی وام‌واژه‌های اروپایی، علاوه بر تلفظ

رایج در فارسی، تلفظ کمابیش بومی واژه نیز داده شده‌است. برای مثال، در واژه‌هایی مانند پراتیک و گرامافون، که دارای خوشه همخوانی در ابتدای واژه هستند، تلفظ به دو صورت زیر آمده‌است:

پراتیک p(e)râtik گرامافون g(e)râmâfon

این در حالی است که تلفظ واژه‌ای همچون سیلندر تنها به صورت silandr ولی دسامبر به صورت desâm(b)r ذکر شده‌است. ارائه تلفظ واژه نخست به این شکل سبب پیدایش الگوی هجایی مغایر با الگوهای زبان فارسی - خوشه سه همخوانی در انتهای واژه silandr - شده که در مقدمه به آن اشاره‌ای نشده‌است.

در همین فرهنگ، در برخی واژه‌ها، به دلیل نبودن یک واج مانند w در فارسی و جایگزین کردن آن با v، سبب شده تا تلفظ ارائه شده با آنچه در زبان فارسی رایج است مغایرت داشته باشد. برای مثال، کمتر فارسی‌زبانی را می‌توان یافت که سشوار را seš(o)vâr و کوانتوم را kovântom یا kuvântom تلفظ کند.

این در حالی است که در واژه‌های پنت‌هاوس و ماوس، w جانشین v نشده و تلفظ این دو واژه به ترتیب به صورت penthâws (قربان‌زاده، ص ۱۹۳) و mâws آمده‌اند.

در فرهنگ روز سخن نیز معیار ضبط تلفظ «شکل رایج [واژه‌ها] در فارسی است، نه تلفظ آن‌ها در زبان مبدأ» (پیش‌گفتار، ص دوازده). به همین سبب، در واژه‌های پراگماتیسم و گرامر، تنها به ذکر تلفظ فارسی شده آن‌ها اکتفا شده‌است:

پراگماتیسم perâgmâtism گرامر gerâmer

در این فرهنگ، در جدول نشانه‌های آوایی، نماد \bar{a} نماینده «واکه مرکب» و معرفی شده‌است. در واقع نویسه \bar{v} در این نماد برای نشان دادن واج w که بین دو واکه میانجی شده به کار رفته، که البته این کار سبب شده تا تلفظ واژه به آنچه در فارسی رایج است نزدیک‌تر شود:

سشوار sešvâr کوانتوم kuvântom

اما در این مورد نیز نایکدستی به چشم می‌خورد و مثلاً در واژه‌ای مانند توئیست (tu'ist)، نماد \bar{v} پیش از واج \bar{i} به کار رفته و نماینده هیچ واکه مرکبی معرفی نشده‌است (قربان‌زاده، ص ۱۹۳).

در این فرهنگ، از واکه‌های مرکب دیگری از جمله -او (âw) نیز نام برده شده که در آوانگاشتِ وام‌واژه‌هایی همچون پنت‌هاوس و ماوس به کار رفته‌اند:

پنت‌هاوس penthâ[w]s ماوس mâws

لازم به ذکر است که در همین فرهنگ، بین واژه‌های عربی با واژه‌هایی که از زبان‌های اروپایی وارد زبان فارسی شده‌اند تمایز دیده می‌شود، به این معنا که واژه‌های عربی که به فارسی راه یافته‌اند هم با تلفظ فارسی و هم با تلفظ بومی خود ذکر شده‌اند^۱:

انعام 'an'ām [عر: إنعام] شجره šajar.e [عر: شجرة]

در این فرهنگ نیز، در آوانگاشت برخی واژه‌های بیگانه، الگوهای هجایی مغایر با الگوهای زبان فارسی (مانند خوشه سه‌همخوانی در انتهای واژه) در آوانگاشت برخی واژه‌ها مشاهده می‌شود، مانند واژه سیلندر (silandr) و دسامبر (desāmb). در این مورد نیز یادداشت توضیحی وجود ندارد.

۳-۲-۱. تلفظ مدخل‌های فرعی

در فرهنگ فارسی، برای مدخل‌های فرعی تلفظ ارائه نشده‌است. در فرهنگ روز سخن نیز برای برخی ترکیبات، مانند آو سرد و دور کسی گشتن، تنها از حرکت استفاده شده‌است.

۳-۲-۲. تکیه

با توجه به اینکه جایگاه تکیه در فارسی تا حد زیادی قابل پیش‌بینی و اغلب بر روی هجای آخر است، فرهنگ‌نویسان نشان دادن جای تکیه را ضروری ندانسته‌اند. در هیچ‌یک از فرهنگ‌های یادشده به جایگاه تکیه کلمات اشاره‌ای نشده‌است.

گفتنی است که محدود کلماتی در فارسی وجود دارند، مانند ولی و گویا، که در آن‌ها تغییر جایگاه تکیه سبب تمایز معنا می‌شود. برای چنین مواردی، به‌ویژه در فرهنگ‌های زبان‌آموز، بهتر است که در ذیل مدخل توضیحی ارائه شود. تلفظ این دو واژه در فرهنگ فارسی به صورت زیر آمده‌است:

ولی vali اسم. ۱. سرپرست ... ولی vali: حرف. حرف استشنا

و

گویا guyā صفت. ۱. دارای گفتار ...

گویا gu:yā قید. واژه‌ای که برای ظن و احتمال به کار می‌رود

در مثال‌های بالا، در واژه گویا در معنای قیدی، کشیدگی واکه u می‌تواند به سبب تکیه‌بر بودن هجای نخست آن باشد، اما مشخص نیست به چه دلیل در واژه ولی به معنای «اما» واکه i به صورت کشیده (i:) آمده‌است. این تمایز در فرهنگ روز سخن نشان داده نشده‌است.

۱. به تلفظ بومی واژه در داخل کمانک که بخش ریشه‌شناسی است اشاره شده‌است.

۳-۲-۳. تقطیع هجایی

در زبان فارسی الگوهای هجایی ساده‌تر از انگلیسی هستند. به همین دلیل، تعیین مرز هجا اغلب، به‌ویژه برای اهل زبان، قابل‌پیش‌بینی است. نکتهٔ دیگر آن است که به‌دلیل ویژگی خط فارسی، تقطیع املائی نیز در سرمدخل نشان داده نمی‌شود. با این حال، نشان دادن تقسیمات هجایی در آوانگاشت، مانند /xa.lij/، به‌ویژه برای زبان‌آموزان می‌تواند مفید باشد (طیب‌زاده قمصری، ص ۸۰ و ۸۱). در هیچ‌یک از فرهنگ‌های موردبررسی تقطیع هجایی برای واژه‌های بسیط داده نشده‌است. این در حالی است که برای نشان دادن تلفظ واژه‌های غیربسیط در فرهنگ روز سخن، شیوهٔ واژه‌واجی مفصل^۱ کار رفته‌است، به‌گونه‌ای که کلیهٔ تکواژهای تشکیل‌دهندهٔ سرمدخل‌های غیربسیط با خط تیره از یکدیگر تفکیک شده‌اند:

ازخودراضی az-xod-rāzi
پر بار por-bār
خوانده xān-d-e

در همین فرهنگ، در آوانگاشت کوتاه‌نوشت‌ها و واژه‌های غیربسیطی که ریشهٔ عربی دارند برای تفکیک تکواژها از نقطه استفاده شده‌است:

آر.پی.جی. ār.pi.ji
معمولاً ma'mul.an
جمعیت jam'.iy[y]at

نکتهٔ قابل‌ذکر آن است که این شیوه به صورت نایکدست در این فرهنگ به کار رفته و مثلاً تلفظ واژهٔ احدالناس به صورت 'ahad.o.n.nās و ولی به صورت va.li آمده و معلوم نیست که n در احدالناس نمایندهٔ چه تکواژی است و به چه دلیل ولی به دو بخش [یا تکواژ] تقسیم شده‌است. همچنین در آوانگاشت واژه‌های بیگانهٔ غیرعربی اطلاعاتی در مورد تکواژهای تشکیل‌دهنده داده نشده‌است:

توپوگرافی topog[e]rāfi
رادپولوژی rād[i]yoloži

در فرهنگ فارسی، این تفکیک در تلفظ واژه‌های مرکب مانند آخر و عاقبت و سروصدا به ترتیب به صورت āxer-o-āqebat و sar-o-sedā نشان داده‌است. در کوتاه‌نوشت‌ها نیز اجزای سرمدخل با نقطه از یکدیگر تفکیک شده‌اند:

ام.آر.آی em.ār.ây
دی.ان.ای di.en.ey

همچنین در این فرهنگ از نقطه برای جدا کردن دو همخوان مجاور از دو تکواژ جداگانه در آوانگاشت استفاده شده‌است:

۱. در این شیوه، در آوانگاشت، تکواژهای آزاد واژه‌های غیربسیط را تفکیک می‌کنند (طیب‌زاده قمصری، ص ۷۹).

آپارتمان‌نشینی âpârt(e)mân.nešini پاک‌کن pāk.kon

به موجب قاعده‌ای که در زبان فارسی جاری است، در یک واژه چندهجایی، اگر هجایی که با همزه آغاز می‌شود فارسی باشد، برش هجایی واژه موردنظر در سطح آوایی تغییر می‌کند. مثلاً واژه پراب به صورت po-rāb تلفظ می‌شود، درحالی‌که در واژه بداصل، که در آن، اصل از زبان عربی قرض گرفته شده و به صورت badʔasl تلفظ می‌شود، چنین تغییری در برش هجایی رخ نمی‌دهد (حق‌شناس، ص ۱۶۱؛ برای شاهدهای بیشتر، ← قربان‌زاده، ۱۹۱-۱۹۲). در فرهنگ فارسی تلفظ واژه بداخلق که در آن، هجایی که با همزه آغاز می‌شود، یعنی اخلاق، از عربی گرفته شده با هردو تلفظ badʔaxlāq و badaxlāq نشان داده شده، ولی مشخص نیست به چه دلیل واژه بداقبال، که دارای شرایط مشابه است، تنها با یک تلفظ و فقط به صورت badʔeqbāl آمده است.

در فرهنگ روز سخن بدون در نظر گرفتن اینکه هجای همزه‌دار فارسی است یا عربی، تلفظ هم با همزه و هم بدون آن ثبت شده است:

بدآموز bad-ā(ʔā)muz بدادا bad-a(ʔa)dā

۳-۲-۴. فرآیندهای آوایی

در فرهنگ فارسی، فرایند همگونی «در واژه‌هایی که در آن‌ها حرف نون ساکن پیش از یک حرف مصوت قرار دارد» (پیش‌گفتار، ص هشت)، مانند پنبه (pambe, panbe) و تنبان (tombān, tonbān)، و هماهنگی واکه‌ای با عنوان «پیروی هجای قبلی از بعدی» در واژه‌هایی همچون چهار (čāhār, čahār)، سروش (sūruš, soruš) و کلید (kīlid, kelid) مشخص شده است (همانجا). فرایند آوایی دیگر کشش جبرانی است که در آوانگاشت برخی واژه‌های فرهنگ فارسی، مانند شمع (šamʔ, ša:m) و معمول (maʔmul, ma:mul)، نشان داده شده، درحالی‌که در واژه‌هایی همچون بعد، فحش، قطع و تعدادی دیگر به آن اشاره‌ای نشده است.

در فرهنگ فارسی گونه‌های آزاد تلفظی ناشی از خنثی‌شدگی برای «واژه‌هایی که در آن‌ها حرف شین [و سین] ساکن پیش از کاف آخر آمده است» (همانجا):

سوسک susk, susg کشک kašk, kašg
لشکر laškar, lašgar

این در حالی است که در ثبت گونه‌های حاصل از خنثی‌شدگی در این فرهنگ یکدستی رعایت نشده و مثلاً در آوانگاشت واژه دفتر، گونه تلفظی dafdar، که در آن نیز تمایز d و t خنثی شده، ذکر نگردیده است.

لازم به ذکر است که این تغییرات آوایی در گفتار غیررسمی رخ می‌دهند و به همین سبب است که معمولاً در فرهنگ‌های عمومی به گونه‌های تلفظی گفتاری اشاره نمی‌شود. چنانچه فرهنگ‌نویس بخواهد گونه‌های گفتاری را نیز در فرهنگ خود بگنجاند، لازم است این تغییرات را برای تمام واژه‌هایی که دستخوش تغییر آوایی می‌شوند ذکر کند. در پیش‌گفتار فرهنگ روز سخن از فرایندهای آوایی ذکری به میان نیامده و برای مثال، واژه‌های پنبه و تنبان فقط به صورت pambe و tombān در فرهنگ ضبط شده‌اند. از میان واژه‌های چهار، سروش و کلید نیز تنها در آوانگاشتِ واژه چهار هماهنگی واکه‌ای به صورت ča(ā)hār نشان داده شده است.

نکته دیگر آن است که در زبان فارسی کلماتی با ریشه عربی وجود دارند، مانند حق، کل و سن، که در حالت اضافه به صورت haqqe, kolle, senne تلفظ می‌شوند. هردو فرهنگ مورد بحث به وجود دو همخوان مشابه پایانی در زیرساخت این واژه‌ها قائل شده و آن‌ها را به صورت sen(n) و kol(l), haq(q) ضبط کرده‌اند (در فرهنگ روز سخن به جای کمانک، از قلاب استفاده شده است).

۴- نتیجه‌گیری

از آنجاکه اطلاع از تلفظ واژه از عمده مواردی است که کاربر را به مراجعه به فرهنگ وامی‌دارد، ارائه اطلاعات آوایی دقیق در فرهنگ و رعایت یکدستی در بازنمایی آن اهمیت زیادی پیدا می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، برای این کار روش‌های گوناگونی وجود دارد که هر یک دارای مزایا و معایبی است. امروزه در فرهنگ‌های فارسی از الفبای آوانگاری برای نشان دادن تلفظ استفاده می‌شود. همچنین در این فرهنگ‌ها، به پیروی از فرهنگ‌های غربی، اطلاعات آوایی بیشتر و متنوع‌تری برای واژه‌ها ارائه می‌شود که البته ارائه این اطلاعات در مواردی سلیقه‌ای، نایکدست و غیردقیق است. بهره‌گیری از اصول علمی، به‌ویژه علم آواشناسی و واج‌شناسی، همراه با رعایت یکدستی می‌تواند رسیدن به استانداردهای فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی را هرچه بیشتر میسر سازد.

منابع

- انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
 ثمره، یدالله، آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳.
 حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۲)، آواشناسی، تهران، آگه.
 سلطانی، اکرم، «بررسی شیوه‌های لغت‌نویسی در چند فرهنگ معتبر فارسی»، نامه فرهنگستان، دوره ۵، شماره ۵، صفحه‌های ۶۰-۷۰، ۱۳۸۶.

- صدری افشار، غلامحسین و دیگران، فرهنگ فارسی، ویراست دوم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۶.
- شریفی، ساغر و مصطفی عاصی، «فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانۀ فارسی از منظر برآورده کردن نیاز کاربران»، زبان‌شناخت، سال ۴، شماره ۲، صفحه‌های ۹۵-۱۱۴، ۱۳۹۲.
- طیب‌زاده قمصری، امید، «شیوه‌های آوانگاری در لغت‌نامه‌های فارسی و ضرورت تغییر آن‌ها»، مجله زبان‌شناسی، سال ۶، شماره ۱، صفحه‌های ۷۴-۸۷، ۱۳۶۸.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربان‌زاده، تهران، اشجع، ۱۳۸۹.
- قربان‌زاده، فرهاد، «نقد و بررسی مجموعه فرهنگ‌های سخن»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱۰، صفحه‌های ۱۸۳-۲۱۰، ۱۳۹۴.
- مدرسی قوامی، گلناز، فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی، تهران، علمی، ۱۳۹۴.
- هاشمی میناباد، حسن، مبانی فرهنگ‌نگاری تک‌زبانۀ عمومی و کاربرد آن در زبان فارسی، رساله کارشناسی ارشد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- BOOIJ, G., "Realisation of dictionaries 6.1 The codification of phonological, morphological, and syntactic information," in *A Practical Guide to Lexicography*, P. van Sterkenburg (ed), Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins Publishing Company, 2003.
- BRAZIL, D., "Representing Pronunciation," in *Looking Up*, J. M. Sinclair (ed), Birmingham, Collins Publishers, The University of Birmingham, 1987.
- BURKHANOV, I., *Lexicography: A Dictionary of Basic Terminology*, Rzeszov, Wydawnictwo Wyzszej Szkoły Pedagogicznej, 1998.
- CLARK, J. and C. Yallop, *An Introduction to Phonetics and Phonology*, Second edition, Malden, Massachusetts, Blackwell, 1997.
- Collins COBUILD English Language Dictionary, 2nd Revised edition. Collins ELT. *Collins Dictionary*, Desktop Electronic edition, 1996.
- DE CALUWE, J. and A. van Santen, "Descriptive lexicography 2.1 phonological, morphological and syntactic specifications in monolingual dictionaries " in *A Practical Guide to Lexicography*, P. van Sterkenburg (ed), Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins Publishing Company, 2003.
- FRASER, H., "Dictionary Pronunciation Guides for English", *International Journal of Lexicography*, 10(3), pp. 181-208, 1997.
- The Free Dictionary: www.thefreedictionary.com.
- HARTMANN, R. R. K. and G. James, *Dictionary of Lexicography*, London, Routledge, 1998.
- JONES, D., *Everyman's English Pronouncing Dictionary*, Thirteenth edition, London, J. M. Dent and Sons LTD, 1972.
- LANDAU, S. I., *Dictionaries: the Art and Craft of Lexicography*, Second edition, London, Cambridge University Press, 2001.

Macmillan Dictionary, Free English Dictionary and Thesaurus:
www.macmillandictionary.com.

Macmillan English Dictionary for Advanced Learners, Second edition, Macmillan, 2007.

Merriam-Webster Dictionary: [www. Merriam-webster.com](http://www.Merriam-webster.com)

Roca, I. and W. Johnson, *A Course in Phonology*, Malden, Massachusets, Blackwell Publishing Co./ Houghton Mifflin, 1999.

Webster's New World Dictionary of the English Language, 3rd edition, New York, New World Dictionaries/Simon and Schuster, 1984.

